

دو فصلنامه ادبیات شیعه

سال دوم، شماره سوم

بهار و تابستان ۹۳

صفحات ۱۶۹-۱۹۳

## عبدی کوفی شاعر ناشناخته‌ی حوزه معرفت اهل بیت علیهم السلام\*

دکتر صادق سیاحی\*\*

ندا سهیلی\*\*\*

### چکیده

عبدی کوفی از شاعران برجسته شیعی به حساب می‌آید که در عصر اموی و عباسی می‌زیست. وی از شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت بود. کوفی نزد امام صادق (ع) از جایگاه و منزلت والایی برخوردار بود، به طوری که امام درباره‌ی وی فرمودند: شعرعبدی را به فرزندان خویش بیاموزید زیرا او بر آیین و دین خداست. اشعار اندکی از این شاعر به دست ما رسیده که در نهایت استواری و رسایی و سند محکمی از آیات و احادیث است. عبدی با تکیه بر آیات و روایات در قالب شعر، یک جهاد ادبی در دفاع از مکتب اهل بیت (ع)، اثبات حقانیت حضرت علی (ع) و بیان فضایل ایشان انجام داده اما متأسفانه اشعار این شاعر حدیث شناس به صورت شایسته و بایسته در ادبیات مطرح نشده است. در این مقاله پس از معرفی عبدی کوفی به عنوان شاعر ناشناخته اهل بیت علیهم السلام و تبیین منزلت وی نزد امام صادق (ع)، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نمونه‌ای از اشعار وی و تطبیق آن‌ها با آیات و روایات پرداخته شده است. کلید واژه‌ها: ادبیات شیعه، عصر اموی و عباسی، عبدی کوفی، اهل بیت (ع)، امام صادق (ع).

\*- تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۷

\*\* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

## ۱- مقدمه

شکی نیست که بین شعر و دین رابطه‌ای دیرین برقرار است. با ظهور اسلام و نزول آیات پایانی سوره شعراء: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ، وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...» (شعراء/۲۲۷-۲۲۴) شاعرانی مستثنی شدند و برتری یافتند که دارای ویژگی ایمان و عمل صالح باشند، شعرشان در خدمت به توحید و نبوت و دعوت کننده مردم به حق باشد، همچنین از هجو به دور باشد مگر برای پیروزی بر کسی که آن‌ها را هجو کند. (رازی، بی تا: ۱۷۶/۲۴) پس رسالت شعر به گونه‌ای متحول شد که در زمره جهاد با زبان قرار گرفت. چنان که رسول خدا (ص) به کعب بن مالک امر فرمود: «آنها را هجو کن قسم به کسی که جان من در دست اوست این هجو برایشان از یرتاب تیر سخت تر است». (همان: ۱۷۶/۲۴) این حرکت شعر مسیر خویش را در دوره‌های بعد نیز ادامه داد و بدین ترتیب جریان شعر متعهد و هدف دار در عرصه ادب به وجود آمد که متأثر از دین، قرآن و آموزه‌های آن بود. شاعران متعهد، قریحه شعری خویش را جهت ارائه معارف دینی در زمانه خویش و بیداری نسل آینده به کار گرفتند. بنابراین شناخت دین از طریق حدیث و تفسیر قرآن به وسیله شعر انجام گرفت. جایگاه این نوع شعر چنان والا گشت که امام صادق (ع) فرمود: «هرکس در مورد ما شعری بگوید، خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند». (مجلسی، بی تا: ۲۳۲/۲۶)

اوضاع اجتماعی هر عصر بازتاب عمیقی در گرایش‌های شعری شاعران آن دوره دارد. در عصر اموی که اسباب نعمت فراوان گشت و نیازهای زندگی فراخ تر گردید، به امید صله شعر مدحی سرودن فراگیر شد. (فاخوری، ۱۹۸۶: ۳۱۰) عده زیادی از شاعران، از قبیل أخطل و أحوص به یاری حاکمان و فرماندهان بنی‌امیه برخاستند و



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲

عبدی کوفی شاعر  
ناشناخته‌ی حوزه  
معرفت اهل بیت  
علیهم السلام



غوغای عظیمی در سرزمین‌ها به وجود آوردند. با شعر خویش به حقانیت بنی‌امیه جهت خلافت ندا سر می‌دادند و آن را به رنگ دین آمیختند که خداوند بنی‌امیه را برگزیده و در به ارث بردن نبوت بر دیگران برتری داده است. (همان: ۳۱۷) البته نباید از این نکته غافل شد که شاعران عصر عباسی نیز از این پدیده به دور نبودند. با نگاهی به شرح زندگی شاعران آن دوره متوجه می‌شویم که اکثر آنها به دربار خلفا و حاکمان ستمگر عباسی راه پیدا کردند و به طمع به دست آوردن مال و ثروت آنها را مدح کردند. در چنین اوضاعی شاعران برجسته‌ای چون کمیت اسدی و سید حمیری، ذوق شعری خویش را جهت نشر مفاهیم دین، بیان حقایق، اثبات امامت و فضایل اهل بیت علیهم السلام شکوفا کردند. یکی از این شاعران متعهد، عبدی کوفی است که شعرش گنجینه‌ای از حقایق، احادیث و روایات را درون خود جای داده است. شاعری که از زبان امام معصوم درباره وی سخن گفته شده، ولی مورد بی‌مهری تاریخ واقع گشته و از دیده عقل‌ها پنهان مانده و حق مطلب در مورد معرفی وی آن‌گونه که شایسته اوست، ادا نشده است. در مجموعه‌های شعری و تذکره‌های سخنی از وی به میان نیامده و دیوانی از اشعار وی گردآوری نشده است، اما در کتاب‌های ارزشمندی چون «مناقب آل‌ابی‌طالب» نوشته ابن شهر آشوب، «اعیان الشیعه» به نگارش سید محسن امین، «الغدیر» به قلم علامه امینی و اخیراً در کتاب «الادب الملتزم بحُب اهل البیت (ع)» به قلم دکتر صادق سیاحی به وی پرداخته شده است.

در این پژوهش؛ ابتدا به معرفی عبدی کوفی به عنوان شاعر برجسته شیعی و تبیین منزلت وی نزد امام صادق(ع) و سپس به بررسی نمونه‌هایی از اشعار شاعر و تطبیق آنها با احادیث و روایات پرداخته‌ایم.

## ۲- شرح حال عبدی کوفی

ابومحمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی<sup>۱</sup>، در غباری از ناشناختگی فرورفته است. از تاریخ ولادت و کیفیت زندگی او اطلاعات دقیقی به دست نیامده است. در خصوص ویژگی‌های حیات وی روایت‌هایی نقل شده که بیانگر این است که شاعر در زمان خود بین خواص فردی برجسته و شناخته شده بود. دو روایت ذیل از جمله آنهاست:

۱- شاعر با سید حمیری دیدار و گفت‌وگو داشت. ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی از ابی داود مسترق نقل می‌کند: سید حمیری و عبدی در محفلی گرد آمدند و سید این چنین سرود:

إِنِّي أَدِينُ بِمَا دَانَ الْوَصِيُّ بِهِ      يَوْمَ الْخَرِيْبَةِ مِنْ قَتْلِ الْمُحَلِّينَا  
وَبِالَّذِي دَانَ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ بِهِ      وَ شَارَكَتْ كَفَّهُ كَفِّي بِصَفِينَا

من در کشتن آنان که در خریبه<sup>۲</sup> فرود آمدند، با علی وصی هم عقیده هستم.

و همچنین به آیین او در روز نهروان و در صفین، دستم شریک دست او شد.

در این حال عبدی گفت: اشتباه کردی، اگر دست تو شریک دستش باشد، مانند او خواهی بود بلکه بگو: «وَتَابَعَتْ كَفَّهُ كَفِّي» تا پیرو او باشی نه شریک. سید پس از این یادآوری می‌گفت: «أَنَا أَشَعْرُ النَّاسِ إِلَّا الْعَبْدِي» (اصفهانی، ۱۹۹۷: ۱۹۸/۴) یعنی، من شاعرترین مردم هستم مگر از عبدی.

آنچه از زبان سید حمیری<sup>۳</sup> شاعر بلند آوازه قرن دوم گفته شد، بر شناخت سفیان بن مصعب به موقعیت‌های سخن و نقد شعر دلالت می‌کند. (امین، ۲۰۰۰: ۲۴۹/۱۱) می‌توان نتیجه گرفت که شاعر صاحب عقلی فراخ اندیش، شناخت و باوری ژرف نسبت به ولایت حضرت علی (ع) و ذوقی شگرف و آشنا به فنون بلاغت بوده است.



۲- شاعر با امام صادق(ع) هم عصر بود و اشعار خویش را بر امام عرضه می‌کرد. علامه امینی در کتاب ارزشمند «الغدیر» به نقل از کتاب «روضه الکافی» به استناد ابی داود مسترق از خود عبدی آورده است که گفت: بر امام صادق(ع) وارد شدم، فرمود: به ام فروه بگویند بیاید و مصائبی را که بر جدش رفته است، بشنود. ام فروه آمد و پشت پرده نشست. پس امام فرمود: برای ما شعر بخوان و من خواندم. (امینی، بی تا: ۲/۲۹۴)

### فرو جودی بدمعک المسکوب

زنان با شنیدن شعر وی شیون و فغان کردند. اهل مدینه آستانه‌ی در جمع شده بودند، امام صادق(ع) کسی را فرستاد که بگوید: چیزی نیست کودکی از ما از هوش رفته بود و زن‌ها شیون می‌کردند. (همان) شایان ذکر است که ابیات سروده شده را نقل نکردند اما از تأثیری که بر روح و جان مستمعان نهاده، هویداست ابیاتی سرشار از عاطفه و سوز و گدازی برخاسته از عشق عمیق و جان سوز نسبت به امام حسین(ع) بوده است. این چنین روایاتی فقط ما را از شخصیت شاعر و دوره‌ای که در آن زندگی کرده است، باخبر می‌کند. عبدی کوفی حدود سال ۱۲۰ ه. ق در کوفه دیده از جهان فرو بست (امین، ۲۰۰۰: ۲۴۸/۱۱) اما مصاحبت وی با سید حمیری که سال ۱۰۵ ه. ق دیده به جهان گشود و در سال ۱۷۸ ه. ق درگذشت و همچنین ملاحظه‌ی تاریخ ولادت و وفات ابی داود مسترق که راوی اوست، ما را متوجه می‌سازد که حیات شاعر تا سال وفات سید حمیری ادامه داشته است، زیرا وفات ابی داود سال ۲۳۰ ه. ق بود و هفتاد سال زندگی کرده است، پس ولادت وی سال ۱۶۰ ه. ق بوده است و طبعاً باید سن او آنگاه که روایتی از عبدی نقل می‌کند، مناسب با نقل روایت



باشد و این لازمه‌ی آن است که شاعر دست کم تا اواخر روزگار سیّد حمیری زیسته باشد. (امینی، بی تا: ۲۹۷/۲)

### ۳- منزلت شاعر نزد امام صادق (ع)

در زمان ائمه اطهار پیوسته شعرا از نقاط دور با قصاید مذهبی و چکامه‌های دینی خود به خدمت ائمه مشرف می‌شدند و مورد اکرام ایشان واقع می‌گشتند. (امینی، بی تا: ۲۱/۲) اما عبدی حدیث را که در مناقب اهل بیت (ع) است، فرا می‌گرفت و در همان حال آن را به نظم می‌کشید و بر امام صادق (ع) عرضه می‌کرد. مقام او در پیشگاه امام، منبعث از محبتی خالصانه و اراداتی مخلصانه و ایمانی پاک از هرگونه آلودگی بود (همان: ۲۹۵)، تا آنجا که امام در حدیثی شیعیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «یا معشرَ الشیعة علّموا اولادکم شعرالعبدی فأنّه علی دین الله: ای شیعیان شعر عبدی را به فرزندان خود بیاموزید، براستی وی بر آیین خداست». (الکشی، ۱۳۴۸: ۴۰۱) ذکر همین سخن در شأن و بزرگداشت شاعر کافی است تا به مرتبه‌ی والای معرفت وی اقرار کنیم. تاکید بر اینکه وی بر آیین خداست، گرایش دینی - عقیدتی شاعر را نشان می‌دهد. امام صادق (ع) با بیان این سخن، شاعر را به عنوان الگو معرفی می‌کند و از آن رو که شعر از میدان احساس و عاطفه وارد می‌شود و بر عقل چیره می‌گردد، شعرش را عاملی تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان شیعه می‌داند.

### ۴- اهل بیت (ع) در آینه‌ی شعر عبدی کوفی

هرآنچه از شعر وی به دست ما رسیده، درباره اهل بیت (ع) است. (امین، ۲۰۰۰: ۱۱/۲۴۹) لطافت طبع و ذوق شاعری وی را از قطعات پراکنده‌ای که جمع‌آوری



دوفصلنامه ادبیات شیعه

شده است، می‌توان دریافت. شعرش چیزی جز بازتاب اندیشه‌ی وی نیست؛ شاعری دل بسته‌ی اهل بیت (ع) که درفش جانبداری و ستایش خاندان پیامبر (ص) را بر دوش کشیده است و آن را توشه ره آخرت خویش می‌داند و این عشق جوشان در سینه را چنین باز گو می‌کند:

۱. یا سَادِيّ يا بَنِي عَلِيّ      يا آل طهه و آل صـ  
 ۲. لا زِلْتُ فِي حُبِّكُمْ أُولِي      عُمَرِي فِي بَعْضِكُمْ أَعَادِي  
 ۳. ما تَزَوَّدْتُ غَيْرَ حُبِّي      أَيَّاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ زَادِ  
 ۴. وَ ذَاكَ ذُخْرِي الَّذِي عَلَيْهِ      فِي عَرَصَةِ الْخَشْيَةِ اعْتِمَادِي  
 ۵. وَ لا كُفْرًا وَ الْبِرَّاءُ مِمَّنْ      يَشْنَأُكُمْ خَالِصُ اعْتِقَادِي

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۳۸۵/۴)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۷

عبدی کوفی شاعر  
 ناشناخته‌ی حوزه  
 معرفت اهل بیت  
 علیهم السلام

۱. ای سروران من! ای فرزندان علی! ای آل طه وای خاندان پیامبر!
۲. در زندگیم پیوسته دوستی و مهر شما را به همراه دارم و با کینه شما دشمنی می‌کنم.
۳. من برای آخرت جز مهر شما چیزی آماده نکردم و آن بهترین توشه است.
۴. آن توشه من است که روز قیامت به آن اعتماد می‌کنم.
۵. دوستی شما و بیزاری از کسی که با شما دشمنی می‌کند، ایمان و باور خالصانه من است.

شاعر آن چنان شیفته اهل بیت علیهم السلام بود که لقب رافضی به وی نسبت داده شد. کوفی رافضی را بهترین لقب برای خود می‌داند و در یکی از ابیات قصیده‌اش این گونه بیان می‌کند:

لُقِّبْتُ بِالرَّفْضِ لَمَّا إِنْ مَنَحْتَهُمْ      وَ دِيّ وَ أَحْسَنُ مَا أُدْعَى بِهِ لَقْبِي

(امینی، بی تا: ۲۹۳/۲)

از آن روز که مهر خود را به پای آنان ریختم، مرا رافضی خواندند و این لقب برای من بهترین نام است.

عبدی کوفی اهل بیت پیامبر را، منجیان راستینی معرفی می‌کند که ولایت و دوستی آن‌ها در قرآن، امری واجب است و با چنین ابیاتی آن‌ها را ستایش می‌کند:

۱. آل النبّی محمّدٍ      أهل الفضائل والمناقب
۲. المرشدون من العمی      والمقذون من اللّوالب
۳. الصّادقون التّطاقون      السّابقون الی الرغائب
۴. فولاہم فرض من الرّ      حمّن فی القرآن واجب

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۷۰/۴)

۱. خاندان حضرت محمّد(ص) اهل فضیلت و منقبت هستند.

۲. آنان روشنی بخش کوردلان و دستگیر درماندگان هستند.

۳. راستگویان پیشگام در کارهای پسندیده هستند.

۴. ولایت آنان از جانب خداوند، در قرآن واجب گردیده است.

شاعر در بیت اخیر به آیه ۲۳ سوره‌ی شوری اشاره دارد: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى: بگو به ازای آن رسالت پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان». زمانی که این آیه نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، خویشاوندان تو که دوستی آن‌ها بر ما واجب شد چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و ابناهما. (القندوزی، ۱۹۹۷: ۳۵۳/۲)

عبدی اهل بیت (ع) را سروران عالم و ستارگان آسمان هدایت می‌داند که تا به امروز از پرتو زندگی بخش آن‌ها بهره‌مندیم و این احساس لطیف را چنین توصیف می‌کند:

۱. عَلَیُّ و الْأُئِمَّةُ مِنْ بَیْنِهِ      هَم سَادُوا الْوَرَى عَرَبًا وَعَجَمًا
۲. نَجْمٌ نَوْرَهَا يَهْدِي إِذَا مَا      مَضَى نَجْمٌ أَبَانَ اللَّيْلُ نَجْمًا

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۳۰۹/۴)





۱. علی (ع) و پیشوایان از نسل او، بر همه مردم عرب و غیرعرب سروری کردند.  
۲. آنان ستارگانی هستند که نورشان راهنماست، اگر ستاره‌ای از آنان ناپدید شود، خدا ستاره‌ای دیگر ظاهر می‌کند.

اشعار عبدی در عین فخامت و استواری از تشبیه، استعاره و کنایه به دور است و اگر تشبیهی دیده شود، برگرفته از روایات می‌باشد. شاعر این ابیات را با تکیه به سخن امام علی (ع) به رشته‌ی نظم درآورده است. در خطبه صد نهج البلاغه می‌خوانیم: «إِنَّ مِثْلَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمِثْلِ نَجْمِ السَّمَاءِ، إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ: مثل آل محمد (ص) چونان ستارگان آسمان است، اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ی دیگری طلوع خواهد کرد». (دشتی، ۱۳۸۱: خ ۱۳۳/۱۰۰)

آیات قرآن، چه از منظر لفظ و چه از نظر معنا، حضوری بارز در اشعار این شاعر اهل بیت (ع) دارد. می‌توان گفت که شاعر به شأن نزول و تأویل آن‌ها آگاهی داشته است. سفیان بن مصعب درباره‌ی آیه مبارکه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» «و بر اعراف مردانی هستند که هر یک را از سیمایشان می‌شناسند» (اعراف/۴۶) از امام صادق (ع) سوال کرد، امام فرمود: «هم الاوصیاء من آل محمد الأثنی عشر» نمی‌شناسد خدا را مگر آن کس که آنان را شناخته است. آنگاه گفت: پس اعراف چیست؟ فرمود: تپه‌هایی از مشک است که رسول خدا (ص) و اوصیا او بر آن قرار می‌گیرند و همه را به چهره‌هایشان می‌شناسند. آن گاه عبدی درباره اهل بیت (ع) چنین سرود:

۱. وَأَنْتُمْ وُلاةُ الْحَشْرِ وَالتَّشْرِ وَالْجِزَاءِ وَأَنْتُمْ لَيَوْمِ الْمَفْزَعِ الْهَوَلِ مَفْزَعٌ  
۲. وَأَنْتُمْ عَلَى الْأَعْرَافِ وَهُوَ كَنَائِبٌ مِنَ الْمَسْكِ رِيَاهَا بِكُمْ يَتَضَوُّعٌ  
۳. ثَمَانِيَةٌ بِالْعَرْشِ إِذْ يَحْمَلُونَهُ وَمَنْ بَعْدِهِمْ فِي الْأَرْضِ هَادُونَ أَرْبَعٌ  
(ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۴۲۶)



۱. ای پیشوایان دین! شما در حشر و نشر حکمران و در روز سخت و ترسناک  
قیامت پناهگاه هستید.

۲. شما بر اعراف که تپه‌هایی از مشک است، قرار دارید و به برکت شما بوی  
خوش از آن برمی‌خیزد.

۳. هشت تن از شما بر عرش خدا هستند که فرشتگان آن را بر دوش می‌کشند و  
چهار تن در زمین به هدایت خلق مشغول هستند.

شاعر در بیت آغازین با به کار بردن صنعت جناس در کلمات «حشر» و «نشر»  
کلام را آهنگین کرده است تا گوش شنونده را به سخن خویش جذب کند.  
مضامین اشعار عبدی کوفی در باره اهل بیت (ع) را می‌توان چنین تقسیم کرد:

#### ۴-۱- اثبات حقانیت حضرت علی (ع)

شاخص‌ترین ویژگی شعر عبدی، بیان فضایل امام علی (ع) و اثبات جانشینی  
بلافاصل ایشان است. قصیده بائیه یا به تعبیر علامه امینی غدیریّه عبدی کوفی که ۸۷  
بیت دارد و طولانی‌ترین قصیده او محسوب می‌شود، به این امر اختصاص دارد.  
شاعر به شیوه‌ی شاعران قدیمی عرب قصیده را با تغزل آغاز می‌کند و با اسلوب  
استفهامی چنین می‌گوید:

هل فی سؤالک رسمٌ منزل الخربِ برء لقلبک من داء الهوی الوصبِ!  
(امینی، بی تا: ۲/۲۹۵)

سپس با قلبی مشتاق و دردمند، سوز هجران و فراق را وصف می‌کند و امام  
علی(ع) را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

۱. دافعوک عن الأمر الذي أعتقلت زمامه من قریش کفٌ مختضبِ

۲. ظَلَّتْ تُجَادِبُهَا حَتَّى لَقَدْ خَرَمَتْ      خَشَّاشُهَا تَرِبَتْ مِنْ كَفِّ مُجْتَذَبِ  
 ۳. وَكَانَ بِالْأَمْسِ مِنْهَا الْمُسْتَقِيلُ فَلِمَ      أَرَادَهَا الْيَوْمَ لَوْلَمْ يَأْتِ بِالْكَذِبِ  
 ۴. وَأَنْتَ تَوَسَّعَ صَبْرًا عَلَى مِضْضِ      وَالْحَلْمِ أَحْسَنُ مَا يَأْتِي مَعَ الْغَضَبِ

(همان: ۲۹۱/۲)

۱. تو را از امر خلافت بازداشتند که دست غاصب مردی قریشی زمام ناقه‌ی آن را گرفته بود.

۲. آن مرد، چنان زمام این ناقه را کشید که بینی آن را درید.

۳. او همان کسی است که تا دیروز از این کار کناره گرفته بود و اگر دروغ نمی‌گفت چرا امروز به جد خواستار آن است؟

۴. تو (ای علی) با بزرگواری بر این دردمندی صبرکردی و شکیبایی در هنگام خشم بهترین کار است.

شاعر در این ابیات از خطبه شقشقیه، که از معروف‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است و محتوای آن شکایت امام از سه خلیفه و اشاره به سرگذشت خود با آنان می‌باشد، تأثیر پذیرفته و الفاظ و مفاهیم آن را به کار برده است. در دو بیت اخیر ابتدا به سخن امام علی (ع) درباره‌ی ابوبکر و سپس به صبر و شکیبایی آن امام همام اشاره کرده است؛ در بیت ماقبل آخر به بند زیر از نهج‌البلاغه «فيا عجباً بيننا هوَ يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِأَخْرَ بَعْدَ وَفَاتِهِ: شَكَفْتَا! ابابكر كه در حیات خود از مردم می‌خواست عذرش را بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری درآورد؟» (دستی، ۱۳۸۱: خ ۳۰/۳) و در بیت آخر به جمله‌ی: «فَرَأَيْتُ إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرَتَ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا: پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم درحالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود» (همان: ج ۲۹/۳) اشاره کرده است.



غدیر، این واقعه‌ی باشکوه و عظیم و روز اکمال دین و اتمام نعمت و برنامه الهی برای سعادت انسان در افق‌های آینده تاریخ، که جایگاه آن در ادبیات شیعه می‌درخشد، از نگاه این شاعر به دور نمانده است. وی این روز را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که گویی خود در صحنه حضور داشته است.

۱. وَكَانَ عَنْهَا لَهُمْ فِي «خَمِّ» مَزْدَجْرٌ  
 ۲. وَقَالَ وَالنَّاسَ مِنْ دَانِ إِلَيْهِ وَمَنْ  
 ۳. قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي قَدْ أَمَرْتُ بِأَنْ  
 ۴. إِنِّي نَصَبْتُ عَلَيْكَ هَادِيًا عِلْمًا  
 ۵. فَيَا عَوَّكُ وَكُلَّ بَاسِطٍ يَدَيْهِ  
 ۶. عَافُوكَ لَا مَانِعَ طَوْلًا وَلَا حَصْرًا  
 لَمَّا رَقِيَ أَحْمَدُ الْهَادِي عَلَى قَتَبِ  
 ثَاوٍ لَدَيْهِ وَمِنْ مُصْغٍ وَمُرْتَقَبِ  
 أَبْلَغُ النَّاسَ وَالتَّبْلِيغُ أَجْدَرُ بِي  
 بَعْدِي وَأَنْ عَلِيًّا خَيْرٌ مُنْتَصِبِ  
 إِلَيْكَ مِنْ قَلْبٍ عَنْكَ مَنْقَلَبِ  
 قَوْلًا وَلَا هَجًّا بِالْغَشِّ وَالرَّيْبِ  
 (امینی، بی تا: ۲۹۲/۲)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱. در خم آنگاه که پیامبر، بر جهاز شتران قرار گرفت آنان را از این جهالت‌ها بازداشت.
۲. و به مردمی که در پیرامونش گرد آمده یا در خدمتش نشسته و به سخنانش گوش می‌دادند و نگرانش بودند، فرمود:
۳. ای علی برخیز که من مأمور رساندن فرمان ولایت به مردم هستم و این تبلیغ برای من سزاوارتر و بهتر است.
۴. به راستی که من علی را به رهبری و رهنمایی پس از خود منصوب می‌کنم و علی بهترین منصب‌دار است.
۵. آن‌ها با تو بیعت کردند و دست خود را به سوی تو گشودند، ولی در دل از تو روی گردان بودند.
۶. تو را رها کردند بی‌آنکه دست بخشش و عطایت کوتاه و یا زبان گفتارت نارسا باشد و بی‌آنکه به دورویی و نفاق شناخته شده باشی.



عبدی در بیت سوم با صراحت به آیه تبلیغ استناد کرده است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/۶۷) این آیه در ارتباط با امامت حضرت علی (ع) نازل شد و چون این آیه نازل شد، پیامبر (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا عليّ مولا». (الفندوزی، ۱۹۹۷: ۴۵/۱، ۱۴۲) همان طور که در ابیات دیده شد، شاعر تمام رویدادهای روز غدیر را بازگو کرده است تا این واقعه را در ذهن خواننده با تمام زوایای آن تثبیت کند.

وی با کاربرد کلماتی همچون «أبلغ و تبلیغ» و «قلب و منقلب» که باهم جناس دارند، کلام را زیباتر ساخته است.

ویژگی اصلی شعر شیعی پرداختن به مسئله امامت است. قسمت عمده اشعار

عبدی کوفی در سرزنش منکران و مخالفان و اثبات جانشینی امام علی (ع) براساس معیارهای عقلی و استدلال‌های برگرفته از قرآن و روایات است. وی در ابیاتی به منکران یادآوری می‌کند ما برخلاف شما از فرمان خدا در برگزیدن علی (ع) به عنوان جانشین و امام در غدیر خم سرپیچی نکردیم و قضاوت نسبت به این امر را به قیامت و پیشگاه عدل الهی محول می‌کنیم:

۱. قالوا رسول الله ما أختار بعده
  ۲. أقمنا إماماً أن أقام على الهد
  ۳. فقلنا إذا أنتم إمام إمامكم
  ۴. ولکننا اخترنا الذی اختاررنا
  ۵. سیجمعنا یوم القیامة ربنا
  ۶. هدتم بأیدیکم قواعد دینکم
- إماماً ولکننا لأنفسنا أختارنا  
أطعنا وإن ضل الهدایة قومنا  
بمحمد من الرحمن همم وماننا  
لنا یوم خم ما اعتدنا ولا حلنا  
فتجزون ماأقلتم ونجزي الذی قلنا  
ودین علی غیر القواعد لاینی

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۲۵۸/۱)



۱. گفتند: رسول خدا پس از خود پیشوایی تعیین نکرد اما ما برای خود امامی انتخاب کردیم.
۲. پیشوایی را منصوب کردیم که اگر هدایت را به پا داشت از او پیروی می‌کنیم و اگر مسیر هدایت را گم کرد، در مقابلش می‌ایستادیم.
۳. گفتیم: اگر شما پیشوای امام خود هستید، پس گمراه شدید و سپاس خدا را که ما در گمراهی سرگردان نگشتیم.
۴. ولی ما کسی را انتخاب کردیم که خداوند در روزخم برای ما برگزید و از آن پیمان سربیزی نکردیم.
۵. خداوند روز قیامت ما را گرد هم خواهد آورد و هر کدام بنا بر گفتار خود مجازات می‌شویم.
۶. با دست خود پایه‌های دین تان را ویران کردید و دین بی‌پایه استوار نمی‌گردد.

عبدی کوفی، در بیت آخر بنیاد دین منکران را به سبب نپذیرفتن امامت حضرت علی (ع) ویران شده می‌داند که این مفهوم را از حدیث شریف امام باقر (ع) اقتباس کرده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسْلَامَ بَرِنَجَ پَايَه اسْتَوَارَ گَرْدِيْدَه اسْت: بَر نَمَاز، زَكَات، رُوزَه، حَجَّ وَ وِلَايَت وَ اَنْ چَنَان كَه بَه وِلَايَت فِرَاخَوَانْدَه شُدَه، بَه هِيچ چِيْز دِيْگَرِي فِرَاخَوَانْدَه نَشُدَه اسْت.» (مجلسی، بی‌تا: ۱۰۴/۲۷)

شناخت شاعر از روایاتی که رسول خدا (ص) در طول حیات خویش درباره جانشینی علی (ع) بیان کرده، قابل ستایش است. نقل شده است که ام سلمه در آغاز جنگ جمل به عایشه گفت: آیا به یاد می‌آوری که علی در زیر سایه سمره‌ای به پینه‌دوزی کفش پیغمبر نشست. در آن هنگام ابوبکر و عمر نزد پیامبر آمدند و گفتند:

ای رسول خدا نمی‌دانیم تا کی در میان ماخواهی بود، ای کاش ما را به جانشین خود آگاه می‌کردی تا پس از تو دادخواه ما باشد. پیامبر فرمودند: من او را شناختم و اگر معرفی‌اش کنم از گردش پراکنده خواهید شد. آن دو خاموش ماندند و از خدمت پیامبر مرخص شدند و چون من و تو به خدمت رسول خدا(ص) آمدم و تو پرسیدی: ای رسول خدا جانشین تو کیست، فرمودند: پینه‌دوز کفش. (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۸: ۲۱۸/۶) عبدی این روایت را چنین به نظم در آورده است:

۱. لَمَّا أَتَاهُ الْقَوْمُ فِي حُجْرَاتِهِ وَالطَّهْرُ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَيُرْقِعُ  
 ۲. قَالُوا لَهُ إِنَّكَ أَمْرٌ مِنَّا خَلَفَ إِلَيْهِ فِي الْحَوَادِثِ نَرْجِعُ  
 ۳. قَالَ النَّبِيُّ خَلِيفَتِي هُوَ خَاصِفُ النَّعْلِ مَعْلُ الزَّكِيِّ الْعَالَمِ الْمَثُورِ

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۴۶/۳)

۱. آن قوم به خانه رسول آمدند، در حالی که علی پاک سرشت به پاره دوزی

کفش پیغمبر نشسته بود.

۲. گفتند: اگر حادثه‌ای رخ دهد، جانشین تو و مرجع ما چه کسی خواهد بود؟

۳. پیامبر فرمود: جانشین من همان پینه‌دوز پاک سرشت و دانای پارسا است.

#### ۴-۲- ذکر مناقب حضرت علی (ع)

سفیان بن مصعب هرگونه مناقب را که درباره حضرت علی (ع) می‌شنید، در شعرش ثبت می‌کرد و معتقد بود آن چنان زیاد هستند که شمارندگان از شمارش آن‌ها خسته و نویسندگان از نگارش آنها عاجزند و با این ابیات به آن اشاره می‌کند:

۱. لَكَ الْمَنَاقِبُ يَعْيبِي الْحَاسِبُونَ بِهَا عَدًّا وَ يَعْجِزُ عَنْهَا كُلُّ مُكْتَسِبِ  
 ۲. كَرَجَعَةِ الشَّمْسِ إِذْ رَمَتِ الصَّلَاةَ وَقَدْ رَاحَتِ تَوَارِي عَنِ الْأَبْصَارِ بِالْحَجَبِ  
 ۳. رُذِّتَ عَلَيْكَ كَأَنَّ الشُّهْبَ مَا أَتَّضَحَتْ لِنَاطِرٍ وَكَأَنَّ الشَّمْسَ لَمْ تَغْشَبِ



٤. و لَيْلَةُ الْغَارِ لَمَّا بَتَّ مَمْتَلًا أَمْنًا وَ غَيْرِكَ مَلَانٌ مِنَ الرَّعْبِ

(امینی بی تا: ۲/۲۹۳)

۱. تو را خصلت‌های نیکو است که شمارندگان از شمردن آن عاجز و نویسندگان از نوشتن آن ناتوان هستند.

۲. همچون رد شمس آن گاه که نمازت را نخوانده بودی و آفتاب از دیدگان پنهان می‌شد.

۳. به خاطر تو چنان برگشت که گویی شهابی ندرخشیده و آفتابی غروب نکرده بود.

۴. شب هجرت و رفتن پیامبر به غار ثور که تو با کمال آسایش خفتی و دیگران مالا مال ترس بودند.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۶

عبدی کوفی شاعر  
ناشناخته‌ی حوزه  
معرفت اهل بیت  
علیهم السّلام

عبدی کوفی، در ابیات سوم و چهارم، واقعه «ردّ الشمس» را که یکی از بزرگترین کرامات حضرت علی (ع) به شمار می‌آید، بازگو می‌کند. در این باره از أسما بنت عمیس نقل می‌کنند: روزی هنگام عصر، رسول خدا (ص) سرش را در دامان علی (ع) نهاد و حالت وحی بر آن حضرت عارض شد تا خورشید غروب کرد و حضرت علی (ع) نماز عصر نخوانده بود. چون پیامبر برخاست، به حضرت علی (ع) فرمود: آیا نماز عصر خوانده‌ای؟ عرض کرد: نه! پس رسول خدا (ص) دعا کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ كَانَ فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْدُدْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ» «پروردگارا علی در راه اطاعت تو و فرمانبرداری رسول تو بوده است، پس خورشید را برای او بازگردان». أسما گوید: در این وقت خورشید را دیدم که غروب کرد و سپس طلوع کرد. (القندوزی، ۱۹۹۷: ۱/۱۶۴) بیت چهارم اشاره به داستان معروف «لیلة المبیّت» دارد که حضرت علی (ع) جهت حفظ اسلام و جان پیامبر، در بستر ایشان خوابید.

هر بیت شاعر آینه انعکاس حدیثی است که با خواندن آن روزنه‌ای از شناخت نسبت به خصال و فضایل بزرگ مرد تاریخ در اندیشه انسان گشوده می‌شود. عبدی،



حضرت علی (ع) را چشم خدا معرفی می‌کند و اذعان می‌کند که هرکس در حقش کوتاهی کند، با خواری در آتش شعله‌ور دوزخ قرار خواهد گرفت.

أَنْتَ عَيْنُ الْإِلَهِ وَالْجَنبُ مَنْ فَرَّ طِفِيهِ يُصَلِّي لَطْمِي مَنْدُومًا  
(ابن شهر آشوب، بی تا: ۲۷۲/۲)

شاعر در این بیت اشاره دارد به سخن امام علی (ع) که فرمودند: «أنا عروة الله الوثقى و أنا عين الله و لسانه الصادق و يده و أنا جنبه الذي تقول: يا حسرتي علي ما فرطت في جنب الله (۵۶/زمر): من دستگیره محکم خدا، چشم خدا و زبان راستین او و دستش هستم و من همان هستم که درباره وی می‌گویند: دروغا بر آنچه در حق و کار خدا کوتاهی ورزیدم». (مجلسی، بی تا: ۲۵۸/۲۶) عبارت «فرط فی جنب الله» از نظر معنایی، کوتاهی کردن در اطاعت و عبادت خداوند را می‌رساند و (زمخسری، ۱۹۹۸: ۳۱۵/۵) در حقیقت کوتاهی کردن در حق حضرت علی (ع)، عدم پیروی از دستور خداوند است.

در ابیاتی دیگر که امام علی (ع) را ستایش می‌کند، از این حدیث مدد گرفته و چنین می‌گویند:

يا علي بن أبي طابا      لـبـ يـا ابـنـ الأـولـ  
يا حجاب اللّٰه و الـ      بـابـ القـديم الأزلـ  
أنت أنت العروة الـ      وثقـى التـي لم تفصلـ  
أنت باب اللّٰه من      يـأتـك مـنـه يـصلـ

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۲۷۴/۳)

عبدی در بیت آخر حضرت علی (ع) را درگاه و دروازه خداوند معرفی می‌کند که هر کس بخواهد به شناخت خداوند برسد، باید از طریق او وارد شود. این گونه خطاب



به ایشان برگرفته از سخن دیگری از امام علی(ع) است که می‌فرماید: «أنا حجة الله، أنا خليفة الله، أنا صراط الله، أنا باب الله، أنا خازن علم الله» «منم حجت خدا، جانشین خدا، راه خدا، درگاه خدا، خزانه‌دار علم خدا هستم». (مجلسی، بی تا: ۳۳۵/۳۹)

شاعر، ایمان خالصانه حضرت علی(ع) را که آسمان‌های هفت گانه و زمین با آن برابری نمی‌کند، این گونه به تصویر کشیده است:

۱. أَشْهَدُ بِاللَّهِ لَقَدْ قَالَ لَنَا مُحَمَّدٌ وَالْقَوْلُ مِنْهُ مَا خَفَى

۲. لَوْ أَنَّ إِيْمَانَ جَمِيعِ الْخَلْقِ مُمٌّ نَسَكْنَ الْأَرْضَ وَمَنْ حَلَّ السَّمَاءَ

۳. يَحِلُّ فِي كَفَّةٍ مِيزَانٍ لَكِي يَوْفَى بِإِيْمَانِ عَلِيٍّ مَا وَفَى

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۹/۲)



۱. خدا را گواه می‌گیرم، به درستی که حضرت محمد(ص) به ما گفت و سخن او پنهان نماند.

۲. اگر ایمان همه‌ی مخلوقات آسمان و زمین در کفه ترازو نهاده شود تا با ایمان

علی برابری کند، یکی نمی‌شود.

شاعر مفهوم این ابیات را از حدیث شریف نبوی زیر اقتباس کرده است: «لَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ وَضَعْنَ فِي كَفَّةِ مِيزَانٍ وَ وَضَعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كَفَّةِ مِيزَانٍ لَرَجَّحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ» «اگر آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه را در کفه ترازو قرار دهند و ایمان علی در کفه‌ی دیگر آن، قطعاً ایمان علی سنگین‌تر است». (همان: ۹/۲)

تصویرپردازی شاعر از روایاتی که درباره مناقب حضرت علی(ع) شنیده، به اشکال مختلف تکرار شده است. وی در اشعارش به معراج پیامبر و دیدن فرشته‌ای بر شکل و صورت حضرت علی(ع) اشاره کرده است. وجود مبارک نبوی در ماجرای عروج به آسمان فرشته‌ای را به شکل و صورت حضرت علی(ع) مشاهده می‌کند که با او هیچ تفاوتی نداشت، به گونه‌ای که پیامبران را علی(ع) پنداشت. پس

گفت: یا ابالحسن تو در این مکان از من پیشی گرفته‌ای؟ جبرئیل فرمود این علی بن ابی طالب نیست بلکه فرشته‌ای به شکل و شمایل وی است. ملائک مشتاق علی بن ابی طالب شدند و از پروردگارشان درخواست کردند که کسی به شکل او باشد تا او را نظاره‌گر باشند. (همان: ۲/۲۳۴)

۱. یامنُ شکتُ شوقَه الاملاکُ إذ شغف بحبّه وهواه غایة الشغف  
 ۲. فصاغ شهبک رب العالمین فما ینفک من زائرٍ منها و معتکف

۱. ای آنکه فرشتگان آن چنان شیفته و دلباخته ات بودند که از شوق دیدارت به خدا شکایت بردند.

۲. خدای جهان، تصویری از تو پرداخت تا پیوسته زیارتش کنند و با او باشند.

این واقعه را در ابیات دیگری این گونه به تصویر می‌کشد

۱. إلیک إشتاقتُ الاملاکُ حیّی خنّتُ من تشوقها حنینا  
 ۲. هناک برا لها الرّهنُ شخصاً کشبّهک لا یغادره یقینا

۱. فرشتگان آن چنان شیفته دیدار تو گشتند که از دلباختگی با شوق ناله سردادند.

۲. خداوند مهربان پیکری همانند تو برای آنان ساخت که با تو هیچ تفاوتی نداشت.

۱. صوّر الله لِاملاکِ العُلّا مثله أعظمه فی الشرفِ  
 ۲. وهی ما بین مطیف زائرٍ و مقیم حولّه معتکف

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۲/۲۳۴)

۱. خدا برای فرشتگان والا، تصویری شریف و گرامی چون خود علی ترسیم کرد.

۲. تا گروهی از فرشتگان طواف‌گر آن تمثال و گروهی دیگر معتکف درگاهش باشند.

عبدی کوفی ویژگی‌های برجسته امام علی (ع) نظیر جنگاوری ایشان در صحنه‌های نبرد، قضاوت‌هایی که در آنان حکم صادر کرده، راز و نیاز عاشقانه و عبادانه در دل شب‌های دراز و تاریک و روزه‌ی طاقت فرسای ایام تابستان را نیز به رشته نظم در آورده است:



۱. کم غمرة للموت في الله خاضها و لجة بحر في الحجوم أقامها  
۲. کم ليلة ليلاء لله قامها و کم صبحه مسجورة الحر صامها

(همان: ۱۲۳/۲)

۱. چه بسیار! میدان‌های جنگی را که برای مرگ در راه خدا وارد شد و حکم‌هایی که به پاداشت.

۲. چه بسیار! شب‌های دراز و جان‌گیری که برای عبادت خدا برخاست و چه بسیار روزهای گرم سوزنده‌ای که روزه گرفت.

وی آیاتی را که در فضیلت امام علی (ع) و اهل بیت نازل شده، محور کار خویش قرار داده است گویی اثبات حقانیت آن‌ها و دفاع از مکتب ایشان را مسئولیت خویش دانسته است. عبدی بخشنده‌گی و کرم امام را چنین به رشته نظم در آورد:

تصدق بالخراج لله راعماً فأتني عليه في محكم الذكر

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۸/۳)

انگشتر خود را در رکوع برای خدا صدقه داد، پس خداوند در قرآن او را ستایش کرد. این بیت تلمیح دارد به آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» «ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (مائده/۵۵) که در شأن ایشان نازل شد آنگاه که در حال رکوع انگشترش را به نیازمندی بخشید (القندوزی، ۱۹۹۷: ۲۵۸/۲)

در بیتی دیگر همین مضمون را متذکر شده است:

ذاک المصدق بالخراج لله و بقوته للمستكين السارِب

(ابن شهر آشوب، بی تا: ۸/۳)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲۰

عبدی کوفی شاعر  
ناشناخته‌ی حوزه  
معرفت اهل بیت  
علیهم السلام

آن شخصی که با انگشتر و غذای خویش به نیازمند در راه مانده صدقه می‌دهد.

#### ۳-۴- رثای امام حسین (ع)

همان طور که اشاره شد، عبدی کوفی در رثای امام حسین (ع) و واقعه سترگ و هولناک روز عاشورا نیز اشعاری سروده که متأسفانه نقل نشده است. ما از میان اشعار وی تنها به یک قصیده ده بیتی دست یافتیم که شاعر در آن گوشه‌هایی از حوادث روز عاشورا را به نمایش گذاشته است:

۱. لَقَدْ هَدَىٰ رُكْنِي رِزْءَ آلِ مُحَمَّدٍ      تَلَكَّ الرِّزَايَا وَالْخَطُوبُ عِظَامَ
۲. وَأَبْكَتْ جَفُونِي بِالْفِرَاتِ مِصَارِعَ      لَّالَ النَّبِيِّ الْمِصْطَفَىٰ وَعِظَامَ
۳. عِظَامَ بَأَكْنَافِ الْفِرَاتِ زَكِيَّةً      لَمُنَّ عَلَيْنَا حَرْمَةٌ وَذِمَامَ
۴. فَكُم حَرَّةً مَسِيَّةً وَيَتِيمَةً      وَكُم مِّنْ كَرِيمٍ قَدْ عَلَاهُ حِسَامَ
۵. لَّالَ الرَّسُولِ صَلَّتْ عَلَيْهِمُ      مَلَائِكَةٌ بَيْضُ الْوَجْهِ وَكُرَامَ

(امین، ۲۰۰۰: ۲۵۳/۱۱)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱. مصیبت بزرگ خاندان حضرت محمد(ص) و آن رخدادهای عظیم، هیبت مرا متزلزل کرد.
  ۲. کشتگان خاندان پیامبر و آن جان‌های بزرگوار دیدگان مرا اشک باران کرد.
  ۳. بزرگواران پاکی در کرانه‌های فرات که حرمت و احترام آن‌ها بر ما واجب است.
  ۴. چه بسیار زنان آزاده و یتیمانی که اسیر شدند و چه بسیار مردان بزرگواری که سرهایشان را بر نیزه کردند.
  ۵. اینان برای خاندان رسول خدا هستند که فرشتگان بزرگوار و سفیدرو بر آن‌ها صلوات و درود فرستادند.
- عبدی با بیان شاعرانه‌ی خویش، تن‌های افتاده بر زمین، زنان و یتیمان اسیر شده و سرهای بالارفته بر نیزه‌ها را وصف می‌کند و سپس یادآور می‌شود که اینان همان



کسانی هستند که خداوند در قرآن بر آن‌ها صلوات و درود فرستاده است. بیت آخر به آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب تلمیح دارد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمائش بخوبی گردن نهید». زمانی که این آیه نازل گردید، درباره کیفیت صلوات از رسول خدا (ص) پرسیدند که فرمودند: «قولوا صلّ علی محمد و آل محمد ولا تصلوا الصلاة البتراء» پرسیدند: صلاة بترا چیست؟ حضرت فرمودند: «تقولون اللهم صلّ علی محمد». (القندوزی، ۱۹۹۷: ۳۴۵/۲) در شعر فوق صنعت «تشابه اطراف»، بر بلاغت ابیات افزوده است. در این صنعت، شاعر کلمه‌ی قافیه‌ی بیت را در آغاز بیت بعدی تکرار می‌کند. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۱۲) کلمه «عظام» در آخر بیت دوم و آغاز بیت سوم تکرار شده است.

در ابیات دیگر این قصیده حضرت فاطمه(س) را مورد خطاب قرار می‌دهد و تأثیر این واقعه بر روح و جان خویش را چنین شرح می‌دهد:

۱. أفاطم أشجانی بنوك ذوالعلی فشبّت و ائسی صادق لغلام
  ۲. وأضحیت لا ألتد طیب معیشتی كأنّ علی الطیبات حرام
  ۳. ولا البارد العذب الفرات أسفیه ولا ظل یهینی الغداة طعام
  ۴. یقولون لی صبراً جمیلاً وسلوةً ومالی اِلی الصبر الجمیل مرّام
  ۵. فکیف إصطباری بعد آل محمد وفی القلب منی لوعةً وضرّام
- (امین، ۲۰۰۰: ۲۵۳/۱۱)

۱. ای فاطمه! فرزندان بزرگوار تو مرا اندوهگین کردند و در حالی که نوجوانی بیش نیستم، پیر گشتم.
۲. دیگر از زندگی خوشم لذت نمی‌برم گویی حلال‌ها بر من حرام گشته است.

۳. نه از آب خنک و گوارای فرات خواهم نوشید و نه آب زیرسایه به هنگام ظهر  
غذا را برایم خوش گوار خواهد کرد.

۴. به من می‌گویند: آرامش و صبر زیبا داشته باش حال آنکه صبر، چاره ساز  
درد من نیست.

۵. چگونه بعد از خاندان حضرت محمد(ص) شکیبایی کنم، در حالی که در دل  
سوز عشق و گداز غم آن‌ها را دارم؟

شاعر به سبب این مصیبت شیرینی همه‌ی لذت‌ها را از دست داده و در فراق اهل  
بیت(ع) بی‌تاب است، به طوریکه دیگران او را به شکیبایی توصیه می‌کنند ولی وی  
صبر را درمان درد خود نمی‌بیند. وی مضمون بیت چهارم را از آیه زیر اقتباس کرده  
است: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» «پس صبر کن صبری نیکو». (معارج/۵)



## ۵- نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، عبدی کوفی شاعر شیعی مخضرمی است که در عصر اموی  
و عبّاسی می‌زیسته است. وی شاعری حدیث شناس و عاشق اهل بیت(ع) است که  
با شمشیر بران شعر و با بیرون ریختن اندیشه و گفتار خویش با استناد به آیات،  
روایات و احادیث، در بیان حقایق و نشر معارف اهل بیت(ع) و دفاع از مکتب  
ایشان قدم برداشته است. با عنایت به قسمت عمده اشعار وی که درباره امامت و  
اثبات حقانیت حضرت علی(ع) و بیان فضایل ایشان می‌باشد، اگر وی را یک مجاهد  
ادبی شیعی به شمار آوریم، سخن گزافی نگفته‌ایم. سخن امام صادق(ع) درباره‌ی  
وی، بیانگر جایگاه رفیع و مضامین شعری پرنغز عبدی است که شیوه‌ای برای  
آموزش دین معرفی شده است. این تفکر و اندیشه شاعر می‌تواند دلیلی بر ناشناخته

ماندن وی و بهترین مدعا بر این باشد که اشعار او به طور کامل به دست ما نرسیده است. اسلوب شاعر و روانی و رسایی اشعارش، اهتمام او به قابل فهم و دسترس کردن مضامین شعریش را می‌رساند.

### پی‌نوشت

۱. شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند، آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی‌ای سرگردانند و آنانند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده‌اند. (شعراء/۲۲۷-۲۲۴)

۲- با شاعر شیعی دیگری هم عصر است که هر دو در کنیه، لقب و محیط پرورش و مذهب همانندند، با این تفاوت که این شاعر ابو محمد یحیی بن هلال عبدی کوفی است. (امینی، بی‌تا: ۳۲۷/۲)

۳- جایی در بصره که جنگ جمل در آن جا رخ داد.

۴- سید ماهرترین افراد در به شعر در آوردن احادیث، اخبار و مناقب بود و فضیلتی از علی بن ابی طالب (ع) نبود که آن را به شعر در نیاورده باشد. (ابن معنز، ۱۴۱۸: ۲۳)

\*\*\*\*\*

### کتابنامه

❖ قرآن کریم

❖ ابن ابی الحدید، أبو حامد عزالدین، (۱۹۹۸م)، شرح نهج البلاغه، تحقیق:

محمد عبدالکریم النمری، بیروت، دارالکتب العلمیه، طبعه الاولى.

❖ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی‌تا، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه

❖ ابن معنز، بی‌تا، طبقات الشعراء، تحقیق: عبدالستار أحمد فراج، الطبعه الثانيه، مصر، دارالمعارف.





- ❖ اصفهانی، أبو الفرج علی بن الحسین، (۱۹۹۷م)، الأغانی، طبعة الثانية، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ❖ امین، سید محسن، (۲۰۰۰م) أعیان الشیعه، چاپ پنجم، بیروت، دارالتعارف.
- ❖ امینی، عبدالحسین، بی تا، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی.
- ❖ حسینی البلخی القندوزی الحنفی، شیخ سلیمان، (۱۹۹۷م)، ینابیع الموده، صححه: علاء الدین الأعلمی، طبعه الأولى، بیروت، مؤسسة الدعلمی.
- ❖ دشتی، محمد، (۱۳۸۱)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ هشتم، موسسه فرهنگي تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- ❖ زمخشری، جارالله أبی القاسم محمد بن عمر، (۱۹۹۸)، تفسیر الکشاف، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود، علی محمد معوض، طبعة الاولى، ریاض، مکتبه العبيکان
- ❖ شیخ طایفه امامیه أبی جعفر حمد بن الحسن بن علی الطوسی، (۱۳۴۸)، رجال الکشی، دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات.
- ❖ فاخوری، حنا، (۱۹۸۶م)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، طبعة الاولى، بیروت، دارالجيل
- ❖ رازی، فخرالدین، بی تا، تفسیر کبیر، چاپ هشتم، تهران، دارالکتب العلمیه.
- ❖ مجلسی؛ محمدباقر، بی تا، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ❖ هاشمی، احمد، (۱۳۸۶)، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البديع، چاپ اول، قم، دارالفکر



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲۵

عبدی کوفی شاعر  
ناشناخته‌ی حوزه  
معرفت اهل بیت  
علیهم السلام





دو فصلنامه ادبیات شیعه

بازتاب حماسه و  
جریان غدیر در شعر  
شاعر مسیحی ...